



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

ماه کرمیت



تقویم و روز شمار ماه ذی القعدة

۱ ذی القعدة: ولادت حضرت معصومه (سلام الله علیها) (سال ۱۷۳ هجری قمری)

۱۱ ذی القعدة: ولادت امام رضا (علیه السلام) (سال ۱۴۸ هجری قمری)

۷ تیر: شهادت مظلومانه آیت الله دکتر شهید بهشتی و ۷۲ تن از باران امام خمینی (رحمت الله علیه)

۲۵ ذی القعدة: روز دحو الارض

۲۹ ذی القعدة: شهادت امام جواد (علیه السلام) (سال ۲۲۰ هجری قمری)

در این شماره اسوه می خوانیم:

سخن نخست: نقش بصیرت در انتخاب صحیح

مناقضین، تفاله های آمریکایی

تأثیر انتخاب در سر نوشت انسان

سبک زندگی کوثری (این شماره: سوره کریمه قریش)

تربیت در محیط خانواده (قسمت بیست و دوم)

شهید «عباس دانشگر» از قاب اسوه

چگونگی اثرپذیری روح و دل انسان از خوراک

بلند همتان، کریمان تاریخ اند

درس بزرگ امام جواد (علیه السلام) به بشریت

استوار پای امر شما ایستاده ایم



القَوَاضِعُ انْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا حَبِبُوا انْ تُعْطَاهُ
فَرَّقِي انْ تَسْتَكْرَهُمْ بِمِثْلِ ما تَقْرَأُ كَرِهْتَ نَبِيًّا وَتُوقَّرُ شَوْبًا



نقش بصیرت در انتخاب صحیح

فخری مرجانی

در هر مسئله و تضاد و تقابلی که پیش می‌آید، در برخورد با هر دشمنی؛ وقتی جهت نگاه ما استفاده از روش‌ها و دستورالعمل‌های تربیتی غنی دین‌مان باشد، خواهیم دید که همه این مسائل رخ داده است تا من رشد کنم و بالأخره به توحید برسیم. اگر با این دید کار انجام دهیم، نه تنها در مدیریت امور اجتماعی کم نخواهیم آورد؛ بلکه کیفیت کار و نورانیت برنامه‌ریزی هم بهتر از پیش خواهد شد؛ چون خیلی تفاوت است بین هیزمی که خیس است و می‌خواهد بسوزد و یک غذایی را بپزد، با هیزمی که مستعد کامل است برای سوختن خالص.

اگر ما منهای مسائل تزکیه نفس و مسائل شناخت نفس، قوی‌ترین برنامه‌ریزی‌ها را برای حل مشکلات اجتماعی انجام دهیم، آن برنامه‌ها ابتر خواهد بود؛ لذا اگر مبنای بصیرت محقق شود، بقیه مسائل خود به خود حل و روشن خواهد شد و تمام شبهات اجتماعی و سیاسی و انواع و اقسام حیل‌های دشمن، فضای خودنمایی پیدا نمی‌کنند. اگر بصیرت به صورت یک درخت تصور شود؛ شاخ و برگ‌هایش عبارت است از آگاهی‌داشتن از اخبار، جریان‌ات و حوادث، حرکات گوناگون جریان‌ات سیاسی و اجتماعی، تحلیل‌های دوستان و دشمنان که در بصیرت انسان اثر کلی و مستقیم دارد. ریشه این درخت در قرآن و کلمات معصومین (علیهم‌السلام) است.

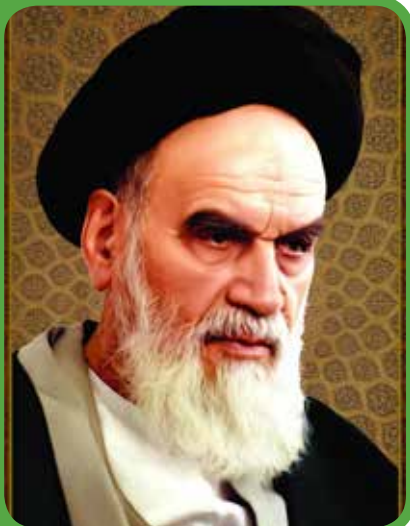
خداوند در سوره فاطر، آیات ۱۸ تا ۲۲ می‌فرماید: «وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ، وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ، وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ، وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ، وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ».

اگر ما درباره بصیرت، ریشه‌یابی بصیرت، تعریف بصیرت و اهمیت بصیرت، تمام آیات و روایات و تجربیات تاریخ را کنار بگذاریم و فقط به معنای این آیات توجه کنیم، ما را در مسیر اهمیت بصیرت و شناخت آن هدایت می‌کند؛ اولاً قبل از اهمیت بصیرت توجه می‌دهد که «وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» هر کس خودش را پاکیزه کرد و نفسش را تمیز کرد، آن وقت این حقیقت برای او کشف خواهد شد که «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ»، می‌بیند که کور و انسان بصیر هرگز مساوی نیستند. پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) می‌فرماید: «لَيْسَ الْأَعْمَىٰ مَنْ بَصُرَهُ إِنَّمَا الْأَعْمَىٰ مَنْ تَعَمَّىٰ بِصِيرَتِهِ»، کور آن کسی نیست که چشم او نمی‌بیند؛ بلکه کور آن کسی است که بصیرتش نمی‌بیند.

پس کور بودن به دیدن ظاهری نیست. و در نهایت میوه درخت بصیرت، همان است که انسان می‌تواند به موقع تصمیم بگیرد، به جا موضع‌گیری کند، به جا فکرش را استفاده کند و به جا و به موقع در مقابل دشمن تجهیزاتش را به کار بگیرد.

و این اقدامات به موقع است که در سرنوشت جامعه اسلامی تاریخ‌ساز و تعیین‌کننده خواهد بود و جهت تاریخ را در مسیر تعالی قرار خواهد داد.





منافقین

تفاله‌های آمریکایی

نباید ما فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا [هستیم]، این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الآن هم هستند. باید هر یک از این‌ها را شناسایی کنید و به دادگاه‌ها معرفی کنید، ننشینید که باز یک جایی را آتش بزنند. این‌ها می‌خواهند خرابی کنند کار ندارند به این که کی کشته شود و کی از بین برود، دشمنی خصوصی هم با هیچ‌کدام ندارند. خوب، هفتاد و چند نفر از بهترین جوانان ما را که از بین بردند، این‌ها با افرادشان یک آشنایی نداشتند، نمی‌شناختند، اما می‌خواستند یک شلوغی بشود، یک انفجاری حاصل بشود و مردم از صحنه بیرون بروند و دیدند که خیر، عکس شد مطلب مردم. این شهادت اسباب این شد که همه با هم منسجم بشوند. این اسباب این شد که مشیت این ادعاکن‌ها که ما برای آزادی و برای کذا می‌خواهیم زحمت بکشیم و باید این ملت آزاد باشد و کذا، مشیت این‌ها باز شد که این‌ها از چه سنخ آزادی می‌خواهند؛ آزادی انفجار! آزادی انفجار اینها می‌خواهند.

این‌ها می‌خواستند که این منافقین هم آزاد بیایند توی مردم و بعد از یک سال دیگر بسیاری از جوان‌های ما را منحرف کنند آزادانه و بسیاری از کارهایی که می‌خواهند مخفیانه انجام بدهند، آزادانه انجام بدهند، برای اینکه، آزادی است! بی‌جهت نیست که در آن نطق‌های با اجتماع زیاد روز عاشورا سوت می‌زنند و کف می‌زنند. امام مظلوم ما به شهادت رسیده، روز شهادت امام مظلوم ما، پای نطق و سخنرانی یک نفر آدمی که با آن‌ها دوست است کف می‌زنند و سوت می‌کشند و آمریکا را از یاد می‌برند.

خط این بود که اصلاً آمریکا منسی بشود. یک دسته شوروی را طرح می‌کردند تا آمریکا منسی بشود، یک دسته «الله اکبر» را کنار می‌گذاشتند، سوت می‌زدند و کف می‌زدند آن هم روز عاشورا. خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود. و لهذا دیدید آن روزی که این جوان‌های بیدار عزیز ما این لانه جاسوسی را گرفتند، این شیاطین به دست و پا افتادند. یکی گفت که این‌ها خط شیطان هستند و دنبال این کردند که ما الآن اسیر آمریکا هستیم، نه اینکه نمی‌فهمیدند که نه، اسیر

آمریکا نیستیم، می‌خواستند که ما را از استقلال بیرون بیاورند و به دامن آمریکا بیندازند و قضیه گرفتن این محل جاسوسخانه ناگوار بود برای آن‌ها، برای اینکه پرونده‌های این‌ها هم ظاهر می‌شد، پیدا می‌شد این پرونده‌ها. این همه کوشش برای اینکه، این‌ها را رها کنید بروند، ما در گرو آمریکا هستیم، این‌ها را بگذارید بروند. این جوان‌های عزیز ما که می‌گفتند ما در خط اسلام هستیم، می‌گفتند به آن‌ها که شما در خط شیطان هستید، خوف این بود که این پرونده‌ها ظاهر بشود و این چهره‌هایی که قالب زدند خودشان را، این چهره‌ها معلوم بشود که چه جور اشخاصی بودند.



تأثیر انتخاب در سرنوشت انسان

سید جعفر حسینی

فرودهایی که همیشه هست. فقط این انسان است که با نوع انتخاب‌هایش تعیین می‌کند این شکست‌ها یا پیروزی‌ها بمانند یا بروند. لذا فهمیدم نه در دل شکست‌ها ناامیدم شوم و نه در دل پیروزی‌ها مغرور. که اگر این شد، رشد و تعالی و پیشرفت مثل سایه به دنبال انسان خواهد آمد.

این درس‌هایی بود که برای فهمیدنش هزینه‌های زیادی دادم که حقیقتاً دوست ندارم بعضی از آن‌ها را اشاره کنم، ولی وقتی می‌بینم در گفتنش درس است و فایده تلخی گفتنش برایم شیرین می‌شود.

بسیاری از فهم‌ها و رشدها که برایم حاصل شد، نتیجه تحمل، صبر و میدان‌دادن خیلی‌ها بود. پدر، مادر و اساتیدی که بر کم‌ظرفیتی، پرخاشگری و شتابزدگی‌های

من صبر کردند و به بهانه اشتباه‌ها

فرصت انتخاب را از

من نمی‌گرفتند تا

این پسر بازیگوش

و پر انرژی، رشید و

رشدیافته شود.

حالا که به عمر

رفته و مسیر طی شده

فکر می‌کنم بهتر

می‌فهمم که فرصت

انتخاب چقدر در رشد شخصیتی

افراد و اجتماع مؤثر است. حتی

اگر این انتخاب‌ها نادرست و با

هزینه باشد؛ منتها زمانی این منجر

به رشد می‌شود که از نتیجه انتخابات

عبرت گرفت.

بچه بودم و بازیگوش. آرام و قرار نداشتم. خودم را بیشتر وقف بازی‌هایی می‌کردم که دسته‌جمعی باشد و مشارکتی. شاید این ترجیح به خاطر رشد و هیجانی بود که بیشتر در دل بازی‌های مشارکتی می‌دیدم تا بازی‌های فردی.

به همین خاطر در بین همه بازی‌ها، بازی هفت‌سنگ و فوتبال برای من اولویت بیشتری داشتند. فوتبال را که نگو.

چه شب‌هایی که با توپ می‌خوابیدم و صبح‌ها با عشق آن از خواب می‌پریدم. از شما چه پنهان، همه زندگی را در بازی می‌دیدم. این روزها که به قدیم فکر می‌کنم، از وقتی که برای بازی گذاشته‌ام اصلاً ناراحت نیستم. چون در

دل این بازی‌ها و انتخاب‌های پرهیجان، درس‌های بسیاری یاد گرفتم که حتی این روزها هم به دردم

می‌خورد.

گاهی در بازی اشک ریختم، گاهی ذوق

کردم، گاهی قهرمان شدم، گاهی شکست

خوردم، گاهی سکوت کردم، گاهی فریاد

زدم، گاهی ناامید شدم و گاهی هم

امیدوار. این‌ها حالت‌ها و

صحنه‌هایی بود که هرچه

در زندگی جلوتر می‌آمدم،

واقعی‌تر می‌دیدم.

این‌ها درس‌های بزرگی

بود که از بازی‌ها و در

دل بازی‌ها یاد گرفتم

و فهمیدم زندگی هم

مثل یک جاده صاف

نیست؛ بلکه پر است

از تلاطم‌ها و فراز و





سبک زندگی کوثری (از ناس تا نبأ)

دکتر زهرا خلغالی

zmnyhi@gmail.com

سوره کریمه قریش

مبحث قریش و دستور به عبادت «رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ» و تناسبش با سوره ماعون چالش عظیمی است که متأسفانه به سختی مورد غفلت واقع شده؛ توجه به سیر آیات از آخر، پرده از راز قریشیان با دو سوره قبل و بعد بر خواهد داشت؛ در حالی که دستاورد محسوسی در آنچه تاکنون از آثار متقدمین ارائه شده، دست نمی دهد! مباحث ذکر شده و بسیاری از تفاسیر^۱ به ارتباط قوی هر دو سوره فیل و قریش پرداخته اند و البته در تناسب سوره ماعون با قریش نیز اشاره ای به این مهم شده که حال که «الله» بر قریش منت نهاد و او را اطعام نمود، پس او نیز باید نسبت به این عمل همت نماید.^۲ یکی از نکات مغفول واقع شده دقیقاً همین موضوع اطعام مساکین است که قریش که همان مصادیق «رَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدينِ» هستند، گرچه قرار بود «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» باشند، اما عکس آن عمل کرده و منع ماعون نمودند! و از سویی مفهوم «لَا يَلْفَافِ قُرَيْشٌ» نمی تواند الفت بین قریش باشد که تاریخ هرگز چنین الفتی را ثبت نکرده و امروزه نیز چنین الفتی را سراغ نداریم! شاید «يُكَذِّبُ بِالدينِ» بودن قریش همچنان این خصلت «يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ» را در احکام فعلی نیز تقویت و تثبیت نموده، و در راستای دوستی با کفار «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» را عملاً از بین بردند و چون خوب «رَأَيْتَ» نشدند در نتیجه «تَبَّتْ يَدَا» نشدند و خود به بزرگترین عامل مصائب و مشکلات مسلمین بدل شدند. در حقیقت مقایسه دو سوره قریش و ماعون به درک مضمون مشترک اطعام منجر می شود. در سوره قریش با بیانی دستوری، مخاطبان را به حمایت از گرسنگان فرامی خواند و در سوره ماعون، کسانی را که از این فرمان سرپیچی می کنند، مورد عتاب قرار می دهد و نسبت به دچار شدن آنان به عذاب الیم بر حذر می دارد. به عبارت دیگر، کلام خداوند درباره اطعام گرسنگان از حالت ایجابی به بیان سلبی می رسد تا از این طریق، بر اهمیت موضوع تأکید شود. در سوره ماعون، مکذبین به دین، قریشیان هستند که یا به ناچار و در قالب مصلحت اندیشی اسلام آورده اند و یا به واسطه منفعت طلبی و کسب قدرت، به دین چنگ زده و در مقام قدرت جای گرفته اند، اما در عمل، «يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ» هستند. در سوره قریش، خداوند با عبارات «أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» به نکوهش ایشان می پردازد که چرا قلبهایشان به الفت و مهربانی انس نمی گیرد و با عبادت خداوند «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» آرامش نمی یابد تا در برابر نعمت طعام و امنیت الهی، به اکرام و اطعام یتیم و مسکین بپردازند و عبادت و نماز را خالصانه بجا آورند. کلیت دو سوره بر این اصل اخلاقی و اعتقادی تأکید دارد که انسانها به واسطه اجتماعی بودن، باید در حمایت از هموعان خود دغدغه مند و پویا باشند و با خودمحوری، دیگران را از نعمتهایی که خداوند در اختیارشان قرار داده است، محروم نکنند؛ در حالی که قریش دقیقاً عکس این عمل کرده و می کند!

شماره سوره:

۱۰۶ (نهم از آخر) مکی و ۴ آیه

نام های دیگر:

ایلاف؛ لایلاف قریش

سوره زوج:

فیل. در فقه، این دو سوره حکم

یک سوره را دارند

محمور موضوعی:

تعبد و اطعام مسکین در جهت

شکر الهی این نعمت

فضیلت قرائت:

در روز قیامت سبب سوار شدن

مداومت کننده بر قرائت آن؛ بر

مرکب های بهشتی و نشستن بر

سفره های نور است

۱- رک: بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۷۶۶

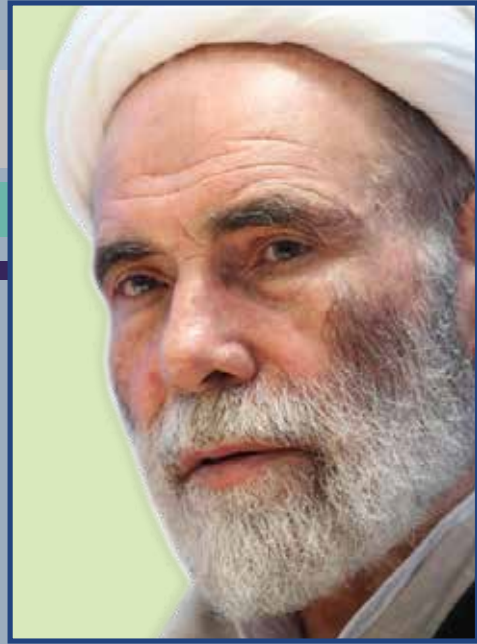
و حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، ج ۳، ص: ۹۰۶

۲- رک: غماری حسنی، جواهر البیان فی تناسب سور القرآن، ص ۱۵۵

تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت بیست و دوم



فعلیه نیست (فعلیت ندارد). اگر در تحت تأثیر مربی (یعنی تربیت او) واقع نشود، پس از رسیدن به حد رشد و بلوغ، یک حیوان عجیب و غریبی می شود.»

مراد ایشان این است که هر بچه ای که به دنیا می آید، یک فعلیت و یک سری استعدادهایی دارد. ایشان می فرماید وقتی که بچه به دنیا می آید یک حیوان تمام عیار است. من از استاد نقل می کنم و البته از جنبه های علمی هم واقعیت مطلب همین است. همه ما که به دنیا آمدیم، در ابتدا از نظر فعلیت، یک حیوان دو پا بودیم.

حیوان دو پا از چه چیزی تشکیل می شود؟ قوای حیوانی؛ یعنی شهوت و غضب و وهم. این سه مورد است که در کودک از ابتدای تولد و ورودش به این عالم وجود دارد. همه ما از این نظر، فعلی هستیم. یعنی این قوا در وجود ما فعلیت دارد. اما از نظر استعدادی دو بخش از استعدادها را خدا در ما نهفته که من بارها از آن ها به بذر و نشاء تعبیر کرده ام.

اگر یادتان باشد در حرف هایم می گفتم که خداوند در وجود ما، هم بذر انسانیت را پاشیده است و هم بذر معنویت را. به عبارت دیگر ما مفضورییم به فطرت انسانی؛ یعنی این مسائل با وجود ما همراه است.

فطریات انسانی زیاد است؛ از جمله حیا؛ بذر و نشاء حیا را خدا در وجود همه ما کاشته است. از آن طرف در بُعد معنویت، آنجا هم فطریات هست. مثل خداجویی. در روایات هم داریم «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ» و «أَلْفِطْرَةُ هِيَ التَّوْحِيدُ».

وظیفه مربی؛ شکوفایی بذر انسانی و الهی

حالا بحث در مورد مربی است که وظیفه او چیست؟ تنها کار او این است که این استعدادها را با دستوراتی که از ناحیه خالق رسیده است به فعلیت برساند. وظیفه مربی این است که این دستورات را به کار ببندد تا کودک در بُعد انسانی، یک انسان شود و در بُعد الهی، یک فرشته شود.

استعدادش را خدا در او گذاشته است. کار مربی این است که آن استعدادها را با دستوراتی که رسیده است شکوفا کند. چون آن کسی که او را خلق کرده می داند که باید چه کاری روی این انجام شود تا این بذر سر در آورد. اصلاً احتیاج نیست که مربی زمین را شخم بزند یا بذر بپاشد؛ خصوصاً بچه، همه این استعدادها در او هست. فقط مربی باید آن را آبیاری کند.

ادامه دارد...

آیا سرعت فاسد شدن و اصلاح شدن برابر است؟

مطلب دیگری که می خواهم در همین رابطه مطرح کنم این است که آیا این تدریجی الحصول بودن صلاح و فساد، سرعتش مساوی است؟ یعنی وقتی که می خواهند کسی را فاسد کنند، آیا فاسد کردن او از نظر سرعت و بطئی (کندی) مانند اصلاح کردن زمان می برد؟

مثلاً فرض کنید اگر کسی دو ماه با شخص فاسدی رفاقت داشته باشد، آیا فاسد می شود؟ یا اگر مدتی در یک محیط فاسد باشد، آیا فاسد می شود؟ و همین طور اگر کسی دو ماه در یک محیط سالم صالح باشد یا رفیق سالم صالح داشته باشد، آیا صالح می شود؟

اصل مسئله تدریجی الحصول است؛ حالا این مسئله مطرح می شود که آیا سرعت و کندی شان برابر است؟ آیا نقش تخریبی و نقش سازندگی از نظر بطئی بودن و سریع بودن یکسان اند یا این دو با هم مختلف هستند؟ این یک بحث ریشه ای است. من نمی خواستم اینگونه این بحث را مطرح کنم، چون ممکن است یک مقدار برای عموم سنگین باشد؛ ولی تا آنجایی که در توانم هست بحث را تنزل می دهم.

قوای بالفعل حیوانی و استعداد انسانی در وجود کودک

استاد ما (رضوان الله تعالی علیه) در این رابطه مطالبی دارد که من عین مطالب و عبارات ایشان را نقل می کنم.

ایشان می فرماید: «انسان در ابتدای ورود به این عالم، حیوانی بالفعل است و تحت هیچ میزان، چیزی جز شریعت حیوانات که اداره شهوت و غضب است نیست». در جمله ای دیگر ایشان می فرماید: «در مقام خود مبرهن است که انسان در اول پیدایش، پس از طی منازل، حیوان ضعیفی است که جز به قابلیت انسانیت، امتیازی از سایر حیوانات ندارد و آن قابلیت انسانیت،

آنان که وامدارشان هستیم

معیا خوبرو

علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) در تعریف سیره می فرماید: «سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.»



دهد، ولی او در نهایت دانشگاه امام حسین (علیه السلام) را انتخاب کرد و بعدها به دیگران می گفت در سپاه بهتر می توان به اسلام خدمت کرد.

شهید عباس دانشگر در پنجم مهرماه سال ۱۳۹۰؛ در حالی که هجده سال داشت، وارد دانشگاه امام حسین (علیه السلام) شد. جو مذهبی و عقیدتی دانشگاه، محیط مناسبی را برای رشد بیش از پیش او فراهم کرد، عباس در طول دوره آموزش افسری و پاسداری مدام به فکر افزایش سطح تفکر و آگاهی خودش بود و توانست همزمان با دوره آموزش نظامی، مطالعاتش را در موضوعات مختلف خصوصاً موضوعات عقیدتی فزونی بخشد. او تا قبل از اعزام اکثر کتاب های شهید مطهری را خوانده بود. مطالعه زیاد در عمق دید و وسعت نظر عباس تأثیر بسیار مثبتی گذاشت و کم کم او را به مرحله شعور و خودشناسی رساند.

همیشه می گفت نکند ما به اندازه ای که حقوق دریافت می کنیم به همان اندازه کار نکنیم؟

عباس گزینش سپاه استان سمنان بود و بعد از اتمام دوره آموزش افسری در تابستان ۹۲، باید به سمنان می رفت، اما به خاطر فعالیت های فرهنگی اش مورد توجه فرماندهی دانشگاه قرار گرفت و همان فعالیت ها در نهایت سبب شد تا عباس و دو دوستش با تأکید فرمانده دانشگاه به جای رفتن به رده معرفی کننده، در دانشگاه ماندنی شوند تا محیط دانشگاه و دانشجویان بیشتر از وجود آنان بهره ببرند. عباس در بیستم خرداد ۱۳۹۷؛ در حالی که بیست و سه بهار از سن او می گذشت در منطقه خلصه در حومه جنوبی حلب سوریه با موشک تاو آمریکایی به شهادت رسید. فرمانده اش سردار اباذری به او لقب «جوان مؤمن انقلابی» داد و با دلی پر از اندوه این چنین گفت: «مجموعه سپاه یکی از فرماندهان شجاع و مدیر خود را از دست داد.»

یادش گرامی که از برکت خون این جوانان هزاران هزار بر خاسته اند.

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری ها و عمل کردن ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است. اما سؤال اینجا است که چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می دهد؟ آیا سیره ها را بدانیم تا فقط گاهی نقل قولی زیبا برای سخنوری و جذب مخاطب داشته باشیم؟ آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». بحث الگو و اسوه داشتن در یک کلام؛ برای عمل کردن مطابق آن سبکی است که از آن الگو یاد گرفته ام.

■ ■ ■

«عباس دانشگر» شهید مدافع حرمی که از سمنان آمد و جوانی شایسته عنوان «جوان مؤمن انقلابی» شد. از کودکی اهل حق بود. بعد از نماز در مسجد به تعقیبات مشغول می شد. یکی از مستحباتی که از هشت سالگی شروع کرده بود، این بود که بعد از هر نماز حدود سه تا پنج دقیقه سر به سجده می گذاشت. از کودکی تمرین عبدبودن می کرد.

عباس هوش و استعداد خوبی داشت، در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان برای ارتقاء تحصیل خودش همواره تلاش می کرد و همیشه جزو شاگردان ممتاز کلاس بود. اوج تلاشش در مقطع پیش دانشگاهی بود، ساعات روزانه خود را برنامه ریزی کرده بود و اکثر وقت های روزانه خود را در سالن مطالعه کتابخانه مرکزی سمنان می گذراند. او با اراده ای قوی می خواست بهترین نتیجه را در کنکور بگیرد. در نهایت هم توانست با رتبه خوب در دانشگاه سمنان در رشته مهندسی کامپیوتر (نرم افزار) قبول شود.

همزمان با شرکت در کنکور سراسری؛ به خاطر عشق و علاقه ای که برای ورود به سپاه پاسداران داشت، در آزمون ورودی دانشگاه امام حسین (علیه السلام) هم شرکت کرد. خبر قبولی در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه السلام)، تقریباً همزمان با خبر قبولی در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه سمنان به عباس داده شد. قبولی در هر دو آزمون، او را حدود یک هفته در فکر فرو برد که کدام راه را انتخاب کند.

از دوستان زیادی مشورت خواست، اکثر دوستان و آشنایان به او پیشنهاد دادند که در رشته کامپیوتر ادامه تحصیل

چگونگی اثرپذیری روح و دل انسان از خوراک



نوع مواد غذایی مصرفی ایجاد می‌شود. اسلام در ۱۴ قرن پیش به ارتباط نماز با غذا و بهداشت بدن و لباس و تغذیه و تمرکز قوای دماغی اشاره کرده است.

لقمان حکیم به پسرش فرمود: «با پرخوری، فکر به خواب می‌رود و زبان حکمت گنگ می‌شود و اعضا از انجام دادن وظیفه عبادتی خود بازمی‌ماند». درباره موریانه نوشته‌اند که چون به کمبود نفرات در یکی از قسمت‌ها مثل (انباردار سرباز و نظافتچی) برمی‌خورد، با دادن غذای مخصوص همان نوع ویژه از نفرات مورد نظر را به وجود می‌آورد.

امروزه نیز این فرضیه مطرح است که آیا بشر می‌تواند با نوع غذا، فرزندان هشیارتر و باایمان پرورش دهد یا نه. البته در اسلام، این موضوع به اثبات رسیده است که انسان می‌تواند، با انتخاب غذای حلال و منزه و ویژگی‌های شخصیتی دلخواه را در فرزندان خود ایجاد کند.

منبع: دانشنامه اسلامی

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَقَلَّ أَكَلَهُ صَفَى فِكْرُهُ؛ کسی که خوراکش اندک باشد، فکر و اندیشه‌اش پاک شود».

این روایت زیبا یادآور آن است که عواطف انسان در حالت گرسنگی اندک، رقیق‌تر و هوش و حواس او بیدارتر است. در واقع، یکی از عواملی که رشد فکری را متوقف می‌کند، زیاده‌روی در تغذیه است.

اگر بیش از اندازه مواد غذایی وارد معده شود، ترشحات بسیار همراه با تعداد زیادی گلبول سفید از دیواره‌های معده، برای هضم غذا به معده سرازیر می‌شوند. در نتیجه خون بیشتری در دستگاه هاضمه جریان می‌یابد. بدین ترتیب دستگاه کنترل خون از سهم خورسانی به مغز می‌کاهد و اکسیژن و مواد غذایی کمتری به مغز می‌رسد و این‌گونه از قدرت خلاقه و حس ابتکار و درک مطالب کاسته می‌شود.

بیماری‌های «پسیکو سوماتیک» که در پی ناراحتی‌های روحی پدید می‌آید، با توجه به

بلند همتان، کریمان تاریخ‌اند

بودن از عیب و نقص تعریف شده:

«الکریم من تجنب المحارم و

تنزه عن العیوب».

مولای موحدان علی

(علیه السلام) در

کلامی، ویژگی فرد

کریم را با عبارتی

دیگر بیان فرموده

است: «الکریم من

یعفو مع القدرة و

یعدل مع الأمره و

یکف لسانه و یبذل

احسانه» کریم کسی

است که در حال اقتدار، از

خطای دیگران بگذرد و زمانی

که حکومت در دست اوست، به

عدالت رفتار کند و زبانش را نگه دارد و به

دیگران نیکی کند.

گرچه هر یک از این گوهرهای خزانه کرامت، ظاهراً به

گونه‌ای متفاوت، وصف کریم و کرامت را بیان فرموده، ولی

می‌توان به اتفاق آن‌ها در یک امر دست یافت که نیکو است

آن وجه اتفاق و اشتراک را نیز از خود حضرت بشنویم. آن امام

همام (علیه السلام)، در گفتاری کوتاه به آن اشاره فرموده: «الکرم

نتیجۀ علو المہمۀ» کرم، ثمره و نتیجه بلندی همت انسان

است. و چه نکته زیبایی در این کلام کوتاه نهفته است. بلند

همتان، کریمان تاریخ‌اند و بلند همت، کسی است که زبانش

رها و بی‌مهار، غضبش خروشان، گذشتش در حال ضعف و

حکومتش همراه با ظلم و تبعیض و ستم به زیردستان نباشد. از

مرزهای الهی نگذرد و مرتکب محرمات نشود و در برطرف کردن

نقص و عیب خود تلاش کند و خوش خلق و نیکوکار باشد.

منبع: نامه جامعه آبان ۱۳۸۸، شماره ۶۲،

استاد محمد شجاعی

سالروز میلاد حضرت فاطمه

معصومه و وجود مبارک امام

هشتم (سلام الله علیهما)

این دهه، دهه کرامت

است؛ یعنی در این

دهه می‌توان فرشته

شد، چون کرامت

در شناسنامه ملائکه

است.

وقتی ذات اقدس

الهی فرشته‌ها را

معرفی می‌کند، در سوره

مبارکه «انبیاء» می‌فرماید:

«بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ

بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يُعْمَلُونَ».

فرشته را بندگان کریم می‌داند و

معرفی این کرامت را به این دو عنصر محوری

قرار می‌دهد که نه اهل افراط‌اند، نه اهل تفریط‌اند.

این جمله «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يُعْمَلُونَ» این به

منزله حدّ تامّ کرامت است؛ «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ» چرا؟ چون

«لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يُعْمَلُونَ» نه جلو می‌افتند نه

دنبال. این اصل اول است که ذات اقدس الهی در سوره «انبیاء»

فرشته‌ها را به عنوان بندگان مکرم معرفی می‌کند.

کرامت در سخن کریمان

در سخنی از امام صادق (علیه السلام)، سه ویژگی به عنوان

نشانه‌های «کرم» معرفی شده است: «ثلاثه تدل علی کرم

المرء: حسن الخلق و کظم الغیظ و غض الطرف» خوش خلقی و

فروخوردن خشم و چشم‌پوشی از اشتباهات دیگران.

روایتی از امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «الکرم،

مِلک اللسان و بذل الاحسان» کرم آن است که انسان بر زبان

خود، مسلط باشد و به دیگران احسان نماید.

در روایتی دیگر، کرامت به خودداری از محرمات الهی و دور

اسلام عليك يا محمد بن علي ايها النقي الجواد

درس بزرگ امام جواد (عليه السلام) به بشریت

امام جواد مانند دیگر ائمه معصومین برای ما اسوه و مقتدا و نمونه است. زندگی کوتاه این بنده شایسته خدا، به جهاد با کفر و طغیان گذشت. در نوجوانی به رهبری امت اسلام منصوب شد و در سال‌هایی کوتاه، جهادی فشرده، با دشمن خدا کرد به طوری که در سن ۲۵ سالگی یعنی هنوز در جوانی، وجودش برای دشمنان خدا غیر قابل تحمل شد و او را با زهر شهید کردند. همان طوری که ائمه دیگر ما (علیهم السلام) با جهاد خودشان هر کدام برگی بر تاریخ پر افتخار اسلام افزودند، این امام بزرگوار هم گوشه مهمی از جهاد همه جانبه اسلام را در عمل خود پیاده کرد و درس بزرگی را به ما آموخت. آن درس بزرگ این است که در هنگامی که در مقابل قدرت‌های منافق و ریاکار قرار می‌گیریم، باید همت کنیم که هوشیاری مردم را برای مقابله با این قدرت‌ها برانگیزیم. اگر دشمن، صریح و آشکار دشمنی بکند و اگر ادعا و ریاکاری نداشته باشد، کار او آسان‌تر است. اما وقتی دشمنی مانند مأمون عباسی چهره‌ای از قداست و طرفداری از اسلام برای خود می‌آراید، شناختن او برای مردم مشکل است. در دوران ما و در همه دوران‌های تاریخ، قدرتمندان همیشه سعی کرده‌اند وقتی از مقابله رویاروی با مردم عاجز شدند، دست به حيله ریاکاری و نفاق بزنند.

مقام معظم رهبری، ۲۳ خرداد ۱۳۹۰

استوار پای امر شما ایستاده‌ایم

محیا خوبرو



انتظار آمدنت زمستان کرده چهره پدران مان را...

و می‌رود که برف روی موهای‌شان را به عاریت ببریم؛ در حالی که
هنوز گوش ما طنین صدای علوی‌گونه تو را که از کنار کعبه بر
عالم می‌رسانی، نشنیده‌ایم...

زمین گردیده و گردیده و رویدادها به خود دیده و چنان با تجربه
گشته که می‌داند:

«تا نیایی گره از کار جهان وا نشود...»

تاریخ همچنان که می‌تازد تا به ظهور تو برسد، موج حوادث را
بر اهل دل می‌کوباند...

راستی زمین چند نیمه خرداد به خود دیده است؟

چند نیمه خرداد بوده که خون مظلوم به خود دیده و حماسه

آن خون پاک را در خود ثبت کرده است؟

نیمه خردادی که اهلش برای احیاء امر شما قیام کردند و...

پیر ما چه خوش گفت:

«سال‌ها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آیند/ انتظار فرج از نیمه خرداد

کشم»

نیمه خرداد را...

حماسه را...

شهادت در راه حق را...

مرور می‌کنیم و

همچنان استوار پای امر شما ایستاده‌ایم.

ما ایستاده‌ایم، شما هم ظهور کن...

حضور به وقت در انتخابات

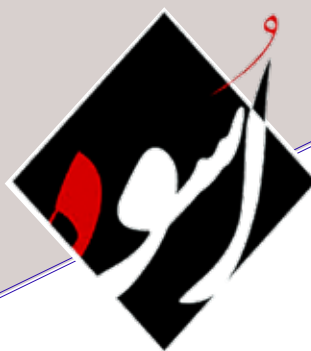


مقام معظم رهبری:

در انتخاب بایستی دقت کرد. من تأکید می‌کنم که به وعده و حرف نمی‌شود اطمینان کرد.

حرف، آسان است؛ هر کسی می‌آید یک ادعایی می‌کند، یک وعده‌ای می‌دهد، یک حرفی می‌زند؛ به این‌ها نمی‌شود اعتماد کرد؛ باید نگاه کرد و دید که آیا یک عملی در گذشته این شخص وجود دارد که این وعده را تأیید کند و تصدیق کند، یا نه؛ اگر چنانچه وجود داشت می‌شود به او اعتماد کرد، و الا نه. بنابراین کارآمدی را با حرف نمی‌شود تشخیص داد.

۱۴۰۰/۳/۱۴



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجانی

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپاز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین‌تر از چهار راه لشکر - روبه‌روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۵-۵۵۴۸۲۰۲۱